



## خواجه نظام الملک و فلسفه نگارش سیاست‌نامه

● احمد رضا اکبری  
کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی  
دبیر آموزش و پرورش خراسان جنوبی

# خواجه نظام الملک

### مقدمه

در این شهر بود که اقبال به او روی نهاد و از سوی چغری بیگ داوود به مشیری و کتابت الب ارسلان گمارده شد. با به سلطنت رسیدن الب ارسلان در سال ۴۵۵ هـ خواجه به وزارت سلاجقه نایل گردید. وی با تحریکات خویش موجبات قتل عمیدالملک کندری را به دست الب ارسلان فراهم آورد.<sup>۲</sup> با مرگ الب ارسلان و جانشینی ملکشاه، خواجه همچنان مقام خود را حفظ کرد و تا هنگام مرگش به سال ۴۸۵ هـ در نزدیک کرمانشاهان و بدست یکی از فداییان اسماعیلی و احياناً به تحریک ملکشاه، حدود ۳۰ سال وزارت کرد. ۳۵ روز بعد از مرگ وزیر، ملکشاه نیز در ۱۵ شوال ۴۸۵ هـ به او پیوست.<sup>۳</sup> با مرگ این دو، قدرت سلاجقه فروکش کرد.

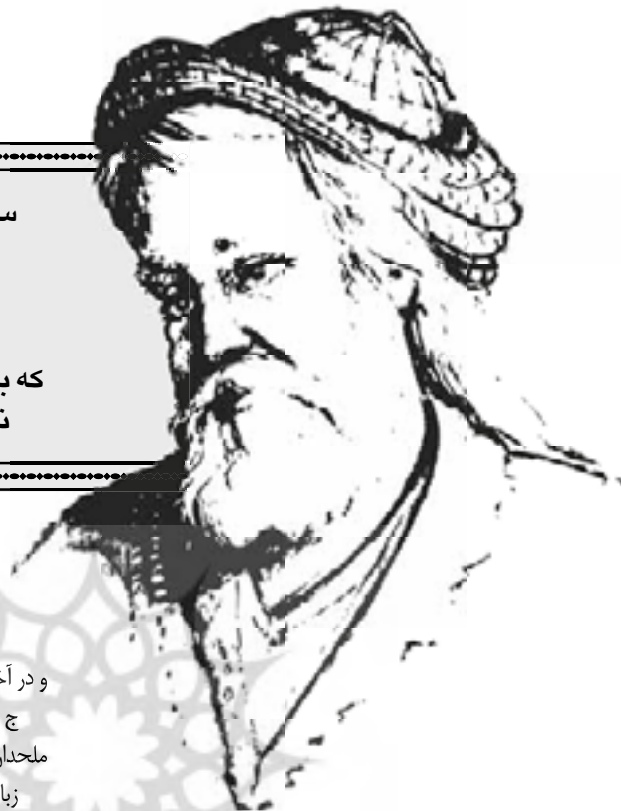
سلاجقه بعد از کسب مبنای قدرت سیاسی توسط طغرل، در دوره حکومت الب ارسلان و ملکشاه به اوج قدرت خویش دست یافتند که بخش اعظم این تعالی مرهون زحمات خواجه و دستگاه دیوان سالاری اوست. آنان توانستند ضمن غلبه بر دشمنان خانگی، به مقابله با رقبای سیاسی همانند غزنویان، قراختاییان، غوریان، غزها و اسماعیلیان بپردازند و حکومت سلجوقی را به عنوان مدافعان اسلام تسنن معرفی نمایند و در جهان نیز به عنوان یک امپراطوری در برابر روم ظاهر گردند. خواجه نظام الملک نقشه چنین فرایندی را در سیاست‌نامه به تصویر کشیده است.

### ۱- خواجه نظام الملک

ابوعلی حسن بن علی بن اسحاق طوسی (۴۰۸-۴۸۵ یا ۴۱۰ هـ) ملقب به خواجه نظام الملک در قریه رادکان طوس در خانه‌ای دهقانی به دنیا آمد.<sup>۱</sup> در جوانی به دستور پدرش قران را حفظ کرد<sup>۲</sup> و نزد امام موفق که یکی از علمای شافعی بزرگ بود تلمذ نمود. خواجه ابتدا به مدت ۳ یا ۴ سال به خدمت غزنویان در غزنه درآمد و سپس به دربار علی بن شاذان وارد شد که از سوی چغری بیگ داوود، فرد قدرتمند سلجوقی، در بلخ امارت داشت ولی به دلیل رنجیدگی از مخدوم خود برای آنچه اجحافات مالی بر وی خوانده می‌شد، او را ترک کرد و به مرو رفت.

### ۲- سیاست‌نامه

شرح مجموعه‌ی دانش‌ها، تجارب و آموخته‌های خواجه<sup>۳</sup> که وی آن را عنوان «کتاب سیر»<sup>۴</sup> یا «کتاب سیاست»<sup>۵</sup> نامیده و به «سیاست‌نامه» و «سیرالملوک» مسمی گشته، مشهورترین اثر نظام الملک است که وی از زمان صدور فرمان ملشکاه مبنی بر نگارش کتاب (۴۷۹ هـ) تا زمان تألیف آن (۴۸۴ هـ) به مدت ۵ سال مشغول نگارش آن بوده است. وی در دلیل تألیف آن بیان می‌کند که «در سال ۴۷۹ هـ پروانه اعلی سلطانی... ملکشاه بن محمد... به بنده و دیگر بندگان برسد که هر یک در معنی ملک اندیشه کنید و بنگرید تا چیست که در عهد روزگار ما نه نیک است و بر درگاه و در ایوان و بارگاه و مجلس ما شرط آن



سلاجقه بعد از کسب مبانی قدرت سیاسی  
توسط طغرل، در دوره  
حکومت الب ارسلان و ملکشاه  
به اوج قدرت خویش دست یافتند  
که بخش اعظم این تعالی مرهون زحمات خواجه  
نظام الملک و دستگاه دیوان سالاری اوست

سلجوقی.

ب - حکایات کوتاه: راجع به شاهان، امراء و وزیران که بنا به ضرورت، منظور خود را به وسیله اشخاص داستان بیان می کند و در آخر سطر چند بر سیبل موجز و اختصار بیان می کند.  
ج - روایات تاریخی (فصول ۴۴-۴۷) که بیشتر در موضوع خوارج و ملحدان و... است و نمی توان آن را واقعیت تاریخی شمرد.  
زبان نگارش این کتاب ساده و روشن است. به علاوه ایجاز و اختصار، خاصه در پندها گاهی به حدی است که باعث ابهام مقصود است.

۳- بررسی ضعف های تشکیلاتی ساخت حکومت سلجوقی

درک مشکلات خواجه و شرایط ایران در دوران تصدی مقام وزارت او جهت درک بهتر فلسفه نگارش سیاستنامه ضروری است:

۱- آشکارترین نقطه ضعف حکومت سلجوقی گرایش به عدم تمرکز و نتایج مترتب بر آن است که ناشی از تصور آن ها از رهبری است، زیرا آنان رهبری را حق همه اعضای خانواده می دانستند.<sup>۱۰</sup> از این روست که بعد از پیروزی دندانقان، همزمان در بعضی از شهرهای خراسان خطبه به نام طغرل و در برخی دیگر به نام چغری بیگ داوود خوانده می شد. در ایام پادشاهی الب ارسلان، آن ها به تدریج با نظر ایرانیان درباره ی قدرت مطلقه ی شاه آشنا شدند و در عهد ملکشاه آن را پذیرفتند.<sup>۱۱</sup> تغییر مکرر پایتخت و ایجاد مراکز مختلف قدرت، تجاوز فزاینده ی طبقه نظامی به تمام سطوح فعالیت های کشاورزی، ناتوانی دیوان سالاری و تشکیلات کشوری در ارائه ی راه حل مناسب جهت برون رفت از چهارچوب سنتی حکومت ترکان، اعمال سلطه بر بازوان حکومت در مراکز و ایالات و... از نتایج مترتب بر نگرش حکومت غیرمتمرکز سلاجقه بود<sup>۱۲</sup> که در نهایت خواجه را وادار به ارائه ی نظریه شاه مستند فرهادار ایزدی کرد.

۲- هرج و مرج سیاسی و اخلال در نظم اداری کشور: سلاجقه

به جای نمی آورند و بر ما پوشیده است و کدام شغل است که پیش از این پادشاهان شرایط آن به جای می آورده اند و ما تدارک آن نمی کنیم و نیز از آیین و رسم ملک و ملوک است و در روزگار گذشته بوده است از ملوک سلجوق بیندیشید و روش بنویسید و بر رأی ما عرضه کنید تا در آن تأمل کنیم و بفروماییم تا پس از این کارهای دینی و دنیوی بر آیین خویش رود و آن چه دریافتنی است دریابیم و شرط هر شغلی بر قاعده خویش و فرمان ایزد تعالی بجای فرماییم آوردن، و آنچه نه نیک است و پیش از این رفته است در توانیم یافتن، که چون ایزد تعالی جهان و ملک جهان را به ما ارزانی داشت و نعمت ها یا بر خلل یا بر خلاف شرع و فرمان ایزد تعالی باشد یا رود<sup>۱۳</sup>.

سیرالملوک ابتدا در ۳۹ فصل تنظیم گردید و سپس در اواخر عمر خواجه، ۱۱ فصل دیگر به آن اضافه شد و در مجموع در ۵۰ فصل به آخر رسید. بخش دوم این کتاب یا همان ۱۱ فصل، در فضایی به رشته تحریر درآمد که مشکلات خواجه با مخدوم خود، ملکشاه و برخی تحریکات درباری بالا گرفته بود. مضافاً با بازگشت حسن صباح از مصر (۴۸۳ هـ) و فتح الموت، خواجه به شکایت از ملاحظه و نفرین آن ها می پردازد<sup>۱۴</sup> (فصل ۴۳ و فصول بعد)

سیرالملوک به لحاظ محتوا مشتمل است بر:

الف - پند و اندرزهای ابتکاری به منظور راهنمایی یکی از سلاطین



**آشکارترین نقطه ضعف حکومت سلجوقی  
گرایش به عدم تمرکز  
و نتایج مترتب بر آن است  
که ناشی از تصور آن‌ها از رهبری است**

نزاری)

۵- شدت یافتن جنگ‌های داخلی در درون مرزهای اسلامی و جنگ‌های صلیبی در مرزهای غربی امپراطوری.  
ع‌اسماعیلیه‌ی نزاری و فعالیت چشمگیر آنان در الموت، اصفهان و قهستان.  
**نتایج**  
سیاست‌نامه تئوری عمل سیاسی خواجه برای برون رفت از معضلات زیر بود:

الف - ارتقاء مقام فرماندهی سران قبایل ترک به مقام شاه فرهمند ایرانی به منظور مقابله با ایده‌ی بیگانه‌ستیزی ایرانیان.  
ب - مقبولیت‌دهی حاکمیت ترکان سلجوقی در جامعه با ادغام، حذف و یا ترکیب سنن ایلیاتی ترکان در ساختار دیوان‌سالاری ایرانی.  
ج - جلوگیری از مرکز‌گریزی خاندان سلجوقی.  
د - مبارزه با دشمنان داخلی و خارجی.  
ه - مقابله با ازهم‌گسیختگی نظام اقطاع و ملک‌داری سلاجقه.  
و - احیاء و حاکمیت تسنن شافعی، فارغ از قدرت خلافت جهت مقابله با اسماعیلیه‌ی نزاری در داخل و فاطمیان در خارج.

**پی‌نوشت**

- ۱ قادری، حاتم: اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران، سمت، تهران، ۱۳۷۸، ص ۱۱۳۴.
- ۲ حلمی، احمد کمال الدین: دولت سلجوقیان، ترجمه و اضافات عبدالله ناصری طاهری، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم ۱۳۸۳، ص ۳۳.
- ۳ همان، ص ۲۸
- ۴ ابن خلدون، ابن خلدون: العبر (تاریخ ابن خلدون)، ج ۴، نشر مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۸، صص ۳۸۳۶
- ۵ نظام الملک طوسی، ابوعلی حسن ابن علی: سیاست‌نامه، تصحیح عباس اقبال، نشر اساطیر، تهران، ۱۳۷۲، ص ۴
- ۶ همان، ص ۲۵۵
- ۷ همان، ص ۱۸
- ۸ همان، ص ۳ و ۴
- ۹ نظام الملک، مقدمه مصحح، ص ۲۱
- ۱۰ کلوزنز، کارلا: دیوان‌سالاری در عهد سلجوقی (وزارت در عهد سلجوقی)، ترجمه یعقوب آژند، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳، ص ۴۷
- ۱۱ ستارزاده، ملیحه، سلجوقیان، سمت، تهران، چ ۱۳۸۶، ص ۳، ۱۰۷
- ۱۲ کلوزنز، ص ۴۷
- ۱۳ بویل، جی. آ: (گردآورنده)، تاریخ ایران کمبریج از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان، ترجمه حسن انوشه، ج ۵، چ ۲، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۹، ص ۹۱
- ۱۴ ابن خلدون، ص ۲۵
- ۱۵ بویل، ص ۹۱
- ۱۶ ابن خلدون، ص ۹۰
- ۱۷ بویل، ص ۸۲
- ۱۸ لمتون، آن: تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران، ترجمه دکتر یعقوب آژند، چ ۱۳۸۳، ص ۲، نشر نی، ص ۱۲۰
- ۱۹ بویل، ص ۸۶

فاقد پیشینه‌ی فرهنگ و تمدن بودند. این امر باعث اخلال در نظام اداری گشته بود. جنگ‌های جانشینی بعد از مرگ سلاطین سلجوقی نتیجه‌ی آنی چنین وضعی بود. جنگ‌الرب ارسلان با عمویش موسی بیغو<sup>۱۲</sup>، شورش قاورد برادر الرب ارسلان در آغاز حکومت ملک‌شاه و نحوه قتل قاورد<sup>۱۳</sup>، جنگ‌های برکیارق با عمو و عموزادگانش بعد از مرگ ملک‌شاه، نحوه کور کردن فرزندان قاورد<sup>۱۵</sup>، جنگ سلطان سنجر و سلطان محمود<sup>۱۶</sup> و... همه گویای امتداد و اوج تفکر ایلیاتی کهن‌مهرتری تا پایان حیات سلاجقه است.

۳- در دوره‌ی ملک‌شاه نهاد سلطنت دارای خصایص چادرنشینی و قبیلگی و خلقیات ترکان مهاجر آسیای مرکزی بود. موجودیت سیاسی سلاجقه برآیند مجموعه‌ای از ولایات بود که از نظر جغرافیایی و سوابق تاریخی با یکدیگر تفاوت داشت. در قلمرو شاه، شاهزادگان با القاب و عناوینی چون ملک، امیر و... حضور داشته و در قلمرو خود به صورت مستقل عمل می‌کردند. از این‌رو، در واقع باید این دولت را مجموعه‌ای از گروه‌بندی‌های سیاسی محسوب کرد تا دولتی یکپارچه<sup>۱۷</sup>. نظام اقطاع‌داری (خصوصاً اقطاع نظامی که برای اعاشه‌ی نظامیان در نظر گرفته می‌شد و به «نان‌پاره» مشهور بود<sup>۱۸</sup>) نیز نتیجه‌ی چنین حاکمیتی بود. نگرانی عمده‌ی خواجه در این‌جا چشم داشتن بر سوءاستفاده‌ی مقطعان و جلوگیری از بیرون رفتن زمین اعطایی از زیر حکم دولت است. در نتیجه، وزیر برای حل این مهم، مدعی مالکیت نهایی سلطان بر کلیه‌ی زمین‌ها شد که احتمالاً موافقتی با اندیشه‌ی عصر ساسانی دارد که بنا بر آن، پادشاه مالک مطلق قلمرو خویش است یا شاید هدف نظام الملک این بوده که قدرت و نفوذ سلطان را به روستائیان نیز بسط دهد و بدین ترتیب از آن‌ها در برابر استبداد مقطعان حمایت نماید.<sup>۱۹</sup>

۴- وجود دشمنان خارجی مانند فاطمیان مصر که خطر جدی برای جهان تسنن به شمار می‌آمد (در مورد نزاریان و اختصاص بخش



## آثار البلاد و اخبار العباد\*

### ● دکتر فرزاد عزیززاده

#### کارشناس ارشد نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ایران

پرداخته و از معیشت انسان و اجتماع بشر و لزوم مشاغل - آهنگر، نجار، نانوا، خیاط، زارع و عوارض طبیعی کوه دریا، مساجد، گرمابه، حضور متفکران و صالحان و اقوام کرد، ترکمان و اصلاح امور معادن و نباتات و حیوانات و ساختمان‌های مختلف و تجمیع آنان به صورت شهرها و روستاها و جوامع بزرگ انسانی گفته شده است.

- در مقدمه‌ی دوم «المقدمه الثانیه فی خواص البلاد و فیه فصلان، الفصل الاول فی تأثیر بلاد فی مکانها...» که به دو فصل تقسیم می‌شود، از خصوصیات شهرها و تأثیر آنان بر ساکنان سخن رفته است. - در فصل دوم مقدمه‌ی ثانی «فی تأثیر البلاد فی المعادن والنبات و الحیوان اما المعادن»، از وجود طلا و نقره آهن، اراضی آتشفشانی و «الاراضی المائیه و الاملاح» و پس از آن از نباتات و حیوانات و پرندگان و محل زندگانی آنان گفت‌وگو شده است.

- مقدمه‌ی سوم با عنوان / المقدمه الثالثه فی اقالیم الارض / با نقل از ابوالریحان الخوارزمی / در توضیح دایره‌ی معدل النهار آغاز شده و به بخش‌های شمالی، جنوبی، ربع مسکون، فواصل طولی و عرضی اقالیم شرق و مغرب و بویژه به ارائه طرح دایره مضاعف به قطر حدود ۱۰ سانتی متر همراه با تعیین خط استوا و جهات الشمال، الجنوب، المشرق، المغرب پرداخته و با تعیین مدارات شمالی، نقاط جهان هم عصر مؤلف روی مدارات تعیین شده و به ویژه از «البلاد الزنج، خلیج اخضر، سرندیپ، سند، مکران، خلیج فارس، عمان، کرمان، حجاز، شیراز، صعدا مصر، یمن زنگبار بلاد افریقیه، بربر، خلیج بربری، بحر المغرب و الروم و الشام، قسطنطنیه، طنجه اندلس» و پس از آن شرح مبسوطی از نقاط ارائه داده و مطالب با اقالیم الاول در شرح اقالیم سبعة آغاز گردیده است و به ذکر مسافتات و مختصات جغرافیایی نقاط و ذکر بعضی مواضع معروف در هر اقلیم پرداخته است و در میان مطالب به ارائه‌ی شواهد اشعار عربی همراه با رنگه نویسی به سرخی، قلم زر و نوعی لاجورد پرداخته است و بصورت الفبایی از سرزمین‌های النجه، بکیل، بلاد اکتبر، بلاد الجشه... نام برده و به تناسب به ذکر از تاریخ و مشاهیر هر ناحیه پرداخته است. این قسمت را به جمله‌ی «... هذا اخر ما عرفنا من اقالیم الاول و... پس از آن بقلم جلی و رنگه نویسی به زر عنوان « اقلیم الثانی » را آغاز نموده و پس از ذکر الاطلاق اجا و سلمی و ارائه‌ی چند بیت شعر به توضیح البحرین با ذکر موقعیت جغرافیایی آن در ناحیه «بین البصره و عمان» پرداخته و شرحی از «الصدف بمجمع البحرین» و ذکر از تاریخ و اقدامات قرمطیان در

- کتابی است در جغرافیا و جغرافیای تاریخی عمدتاً جهان اسلام و بخشی از سرزمین‌های آفریقای، هند، جنوب روسیه و... که توسط زکریابن محمد قزوینی متوفی به سال ۶۸۲ برابر ۱۲۸۳ میلادی به زبان عربی تألیف شده و از آن با عنوان عجایب البلدان نیز نام برده می‌شود.

- کتاب پس از مقدمه و ذکر بسلامه با «العزلک و الجلال لکبریائک و العظمه لشانک والدوام لبقائک یا قائم الذات و مفیض الخیرات انت الاول لایشی قیلک و انت الاخر لایشی بعدک و...» آغاز می‌شود و در خاتمه با معرفی ناحیه «یورا بلاد بقرب بحر الظلمات و... والله اعلم بما وراء ذلك من البلاد والبحار ولیکن هذا آخر الکلام» خاتمه می‌پذیرد.

- صفحه‌ی ظهریه نسخه با پنج سطر در عنوان کتاب و نام مؤلف و عنوان دیگری از اوست ایضاً نقش مهرهای متعدد از امراء گورکانی با ذکر نام شاه جهان، مالکین نسخه، نقل و انتقالات رسمی نسخه در قرن نهم و دهم را به همراه دارد و به ویژه یادداشت شش سطر در مالکیت نسخه بنام اوحد بن اسعد بن بهرام مستوفی سبزواری به تاریخ اوایل صفر سال ۸۵۷ در شهر هرات - کرسی ایالت خراسان - را به همراه دارد.

- نسخه‌ی مزبور جمعاً مشتمل بر ۳۳۲ صفحه است. هر ورق آن حدود ۲۵۵×۱۵۷mm با شیرازه‌ی ته‌دوخت مرمتی، کاغذ هندی مصدوم و آفت‌زده با جلد الحاقی به شدت مصدوم و آثار آفت‌زدگی در جلد نظیر اوراق کتاب به خوبی مشهود است.

- جلد نسخه‌ی موصوف مقوایی، رویه به رنگ سبز با طرح ترنج و سرترنج‌های مذهب و ضربی است و اندرون آن از تیماج سرخ با حاشیه‌ی جدول کشی شده است، جلد نسبت به متن متأخر و احتمالاً در قرن یازدهم ساخته شده است.

- نسخه در صفحه‌ی نخست به دنبال تحمیدیه و نعت رسول اکرم (ص)، صراحتاً از مؤلف با جمله‌ی «يقول العبد زکریا بن محمد بن محمود القزوینی...» نام برده و به شیوه‌ی تألیف اشاره کرده است: «انی قد جمعت فی هذا الکتاب ما وقع لی و عرفته و سمعت به و شاهدته... فی بلاده و عبادته... فذکرت فی هذا الکتاب و معرفک احوال الامم الماضیه و... اله الموفق الصواب» و پس از آن مقدمات سه‌گانه‌ی کتاب را با جمله‌ی «المقدمه الاولى فی الحاجه الی احداث المدن و القرى» ذکر کرده است که در آن به‌اجمال به نیاز به احداث شهرها و روستاها



**دریاها؛** موقعیت دریاها از کتاب جغرافیایی معجم البلدان، اثر یاقوت الحموی در آغاز قرن هفتم هجری به نقل از نسخه چاپ عکسی تهران، منشورات مکتبه الاسدی، طهران ۱۹۶۵.

یکی از امتیازاتی که آثار البلاد را متمایز می‌سازد، ارائه‌ی مطالب همراه با طرح نقشه‌ای است که در آغاز مطالب به صورت دایره با تعیین جهات جغرافیایی به شیوه‌ی قدماً همراه با ترسیم مدارات شمال و جنوب استوا و به صورت مکمل مطالب با ذکر مواضع جغرافیایی و نواحی در اقالیم سبعة و ارائه‌ی نام‌های جغرافیایی مواضع در قرن هفتم هجری است که از جمله «خلیج فارس» را در جوار و پیوند با عمان و مکران، به وضوح نمایانده است.

آثار البلاد نخستین بار در سال ۱۸۴۸ میلادی در شهر گوتینگن و در مرتبه‌ی ثانی، ظاهراً بدون ذکر سال چاپ در شهر بیروت چاپ و منتشر شده است.

– از آثار البلاد و اخبار العباد در کتابخانه‌ی ملی ایران علاوه بر نسخه‌ی موضوع این مقاله به شماره ۱۶۶۲۷-۵ نسخه‌ی دیگری به شماره ۷۳۸/ع وجود دارد که در قطع وزیری به تاریخ ۱۲۸۸ هجری توسط شیخ موسی خوانساری استنساخ شده است. ایضاً در

Catalogue of Arabic books in the British museum/۱۹۰۷/ vol II/P۸۳۴-۶

به مجموعه‌ای از آثار قزوینی از جمله به آثار البلاد و اخبار العباد – اشاره نموده است.

(Asar al Belad va Akhbar al Ebad) \*

آن ناحیه داده است.

– مؤلف در خاتمه‌ی این بخش با عنوان «قال صاحب عجایب الاخبار» و نقل‌هایی در خصوص عجایب سرزمین هند با عنوان قال المسعودی و «قال صاحب تحفة الغریب» ایضاً از بلاذری نامبرده و در خاتمه به عنوان «اقلیم الثالث» اشاره کرده و موقعیت این اقلیم را بر اساس نصف النهار مربوط و مختصات جغرافیایی آن و سرزمین‌های این اقلیم از مشرق «بلاد الصين ثم الهند و... و یتتبی الی بحر المحیط» ذکر کرده و به شیوه‌ی معمول بر اساس حروف الفباء از نواحی و شهرهای این بخش با ذکر نام ابرقو «بلده مشهوره بارض فارس...» نام برده است و پس از آن از ارجان الاردن، الاسکندریه و... نام برده و مشاهیر علما و حکمای هر قسمت را همراه با ذکر بعضی عجایب آن نواحی ذکر نموده است؛ از جمله در ذکر الاسکندریه از حکمای یونانی و مسعودی، باب السحرة اسکندریه و منار عظیم آن را ایضاً «من عجایبها ما ذکر ابوالریحان فی الاثار باقیه» نام برده و از طرحی با عنوان «هذه صورة المنارة الباقیه الان» ارائه داده است و از اصطخری صاحب کتاب الاقالیم «ابن الاثیر الجزری فی تاریخه...» شهر «اسیوط و معادن و عجایبها» ذکر نموده است آنگاه از افیق، انطاکیه، و از گرمای خوزستان حشرات آن ناحیه و انواع خرما و شکر، اهواز و «ناحیه بین البصره و فارس یقال لها خوزستان» نام برده است و بسیاری از نقاط و شواهد را پس از آن ارائه نموده آنگاه به جنابه – گناوه کنونی پرداخته و چنین نگاشته است:

«جنابه بلیده علی ساحل البحر فارس» «لازرع بها و ینسب الیها ابوالحسن القرمطی الجنابی خرج الی البحرین و دعا العرب الی نحلته فاجتمع علیه خلق کثیر و کسر عسکر الخلیفه...» که اشاره – ای به نهضت قرمطیان و معارضه‌ی آنان با خلفای عباسی است و در خصوص رودخانه‌های سرزمین عراق از رودهای دجله و فرات، پیوستگی و ریزش آنان به دریای فارس نام برده است... و چنین نگاشته «الفرات و دجله نهراً عظیماً نصب فی بحر فارس وروی ان اربع اناهار من الجنه النیل و الفرات و سیحان و جیحان» که به نقل روایت نیز در خصوص اهمیت رودهای مزبور پرداخته است.

– مؤلف، زکریای قزوینی که از جغرافیون ایرانی اواسط قرن هفتم هجری است، در تألیف آثار البلاد و اخبار العباد به تألیفات پیشینیان و نتایج مطالعات جغرافیایی قدما توجه داشته است؛ از این روست که در بسیاری مواضع از کتابش از منابع و دانشمندان پیشین به صراحت نام برده است و اینک آثار البلاد و اخبار العباد را هم‌چون منبعی اصیل و معتبر در جغرافیا و جغرافیای تاریخی قرون وسطای ایرانی در دسترس قرار داده است.

